

در ایسکانیوز بررسی شد: احیای امپراتوری عثمانی یا فروپاشی ترکیه؟

ایسکانیوز/ شاهین زینعلی: میزگرد بررسی تحولات ترکیه و تبعات انتخابات اخیر این کشور در سیاست خارجی و اوضاع داخلی ترکیه در ایسکانیوز برگزار شد. در این میزگرد احسان هوشمند و ایساک یونانسیان، پژوهشگر و تحلیل‌گران مسائل منطقه ای حضور یافتند و درباره روند سیاست های ترکیه به بحث و تبادل نظر پرداختند. مشروح این میزگرد را در ادامه می خوانید.

زینعلی: ترکیه گرفتار مشکلات زیادی در داخل این کشور و فراتر از مرزهای خود شده که ما حاصل سیاست های دولت رجب طیب اردغان و حزب و عدالت و توسعه است. رفتار این کشور در محیط منطقه ای که به نو عثمانی گری موسوم شده اکنون برخلاف اهداف تعیین شده رهبران این کشور، به نظر می رسد ترکیه را در آستانه یک شکست سنگین در منطقه قرار داده است. ترکیه بارها از سوی رسانه ها به حمایت از داعش متهم شده است. اتهامی که پس از حادثه سرنگون کردن هواپیمای روسی با حمله ارتش این کشور، رسماً از سوی دولت روسیه و چند کشور دیگر مطرح شد. روسیه حتی اقدام به ارائه مدارکی در این خصوص کرد. سیاست خارجی و داخلی ترکیه را از زمان روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه می توان به سه دوره تقسیم کرد: از قدرت گرفتن حزب عدالت و توسعه تا دور اول انتخابات پارلمانی در ماه ژوئن که با پیروزی نسبی حزب دموکراتیک خلق آقای دمیرتاش همراه بود، برهه ۵ ماهه میان دور اول و دوم انتخابات و از دور دوم انتخابات به بعد که با پیروزی قاطعانه حزب عدالت و توسعه همراه بود. این تقسیم بندی از آن جهت حائز اهمیت است که به صورت کاملاً مشخص رفتار منطقه ای و داخلی دولت ترکیه را در هر کدام از این سه برهه متفاوت نشان می دهد. برهه اول اوج گیری آرام و نسبتاً منطقی سیاست های منطقه ای ترکیه، دوره دوم سردرگمی و انتظار دولت اردوغان و دوره سوم عنان گسیختگی سیاست های ماجراجویانه ترکیه در منطقه که تا پای سرنگونی هواپیمای روسیه و تنش تمام عیار با عراق، همسایه جنوبی این کشور پیش رفت. به نظر می رسد توسعه طلبی ترکیه ابعاد متفاوتی پیدا کرده است.

هوشمند: دور دوم انتخابات ترکیه بر خلاف انتخابات ماه ژوئن تحلیلگران را به تکاپو انداخت که فهم دقیقتری از رفتار ترکیه به دست آورند. بر خلاف انتخابات قبل حزب عدالت و توسعه توانست آرای بیشتری به دست آورد و موقعیت خود را مستحکم تر کند. قطعاً این تبعاتی در منطقه خواهد داشت.

من ابتدا این نکته را اشاره کنم که ما از یک سو با بازی پیچیده ترکیه در منطقه و داخل این کشور روبرویم. از سوی دیگر رفتار مخالفان حزب عدالت و توسعه این فرصت را در اختیار آنان گذاشته تا بازی خود را پیش برند و بتوانند در عرض کمتر از ۵ ماه فضای انتخابات را کاملاً تغییر دهد. در انتخابات قبل حزب دموکراتیک خلق توانست آرای قابل توجهی به دست آورد. حزبی که حامی ترک هاست. کردها بزرگترین اقلیت قومی در این کشور هستند. در کنار ارمنی ها، علوی ها، آذری ها، عرب ها و ... اگر این تنوع را در نظر بگیریم در انتخابات پیش جامعه ترکیه نارضایتی خود را نسبت به سیاست های حزب عدالت و توسعه اعلام کردند.

اما در بین این دو انتخابات حزب عدالت و توسعه توانست با الغای احساس عدم امنیت به جامعه در صورت بر سر کار نبودن این حزب، تا حدود زیادی موفق شود و نتیجه انتخابات را به سود خود تغییر دهد. اما پیامد منطقه ای این تحولات چیست؟ اگر حزب عدالت و توسعه با نوعی عقلانیت به آنچه در این چند ماه رخ داده توجه می کرد می توانست تنش را در داخل و در منطقه کم کند. اما این اتفاق نیافتاد. سرنگونی هواپیمای روسی و رویارویی تمام عیار با روسیه، تشدید تنش های داخلی در این کشور و اوج گرفتن تظاهرات کردها نشانه

مثبتی نیست. اگر ترکیه به همین روند ادامه دهد تنش ها بیش از پیش خواهد شد. تنش تازه با دولت عراق شاهد این مدعاست.

موضوع سوریه و اوج گرفتن اختلاف نظر با ایران در آینده نیز از جمله تبعات ادامه این سیاست هاست که نشانه های آن در حال بروز است.

آقای داوود اغلو، نخست وزیر ترکیه، روزگاری به دنبال طرح تنش صفر با همسایگان بود؛ اما سیاست های منطقه ای ترکیه بر اساس طرح های ایشان تنها بر تنش ها افزوده و آینده روشنی در برابر رابطه ترکیه با کشورهای نظیر ایران، ارمنستان، عراق، سوریه و ... متصور نیست.

زینعلی: در مورد کردهای ترکیه، فعالیت هایشان و تحولاتی که به نوعی به جامعه کرد ترکیه مربوط می شود شمای کلی در افکار عمومی ایرانیان و رسانه ها وجود دارد. اما در مورد ارمنی های ترکیه اطلاعات چندانی در دست نیست. جناب یونانسیان در کنار توضیح درباره تحولات ترکیه پسا انتخابات به این موضوع نیز بپردازید.

یونانسیان: من به سال ۲۰۰۱ باز می گردم. زمانی که حزب عدالت و توسعه برای نخستین بار روی کار آمد. در آن زمان دولت متبوع این حزب چند هدف کلی برای تنظیم سیاست های خود برشمرد: شکوفایی اقتصادی، تنش صفر با همسایگان و حل مسأله کردها و ارمنه.

در شکوفایی اقتصادی دولت آقای اردوغان تا حدود زیادی موفق عمل کرد و در این مدت شاهد رشد اقتصادی ترکیه و افزایش سطح درآمدهای عمومی و گسترش نسبی رفاه در میان اقشار مختلف جامعه ترکیه بودیم. البته ناگفته نماند در این موفقیت اوضاع اقتصادی یونان، جنگ داخلی در عراق و تحریم های ایران به یاری دولت اردوغان آمد.

در مورد تنش صفر با همسایگان نیز دولت اردوغان در ابتدا قدم های مثبتی برداشت. اما سیر تحولات نشان داد ترکیه در این خصوص مصمم نبود و تنها به حرکات نمایشی در ابتدای کار بسنده کرد.

ترکیه مسأله پیوستن به اتحادیه اروپا را پیش رو داشت. این حرکات نمایشی در این راستا قابل تحلیل است. شاهد بودیم که بعد از اینکه ناامیدی در میان مسوولان ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا رواج یافت سیاست های این کشور در رابطه با همسایگان هم تغییر کرد.

در خصوص مسأله اقوام نیز تنها به حرکات نمایشی بسنده شد. مانند برگزیدن معاون ارمنی از سوی داوود اغلو و یا ابراز همدردی با ارمنه بدون اشاره به نسل کشی در جریان جنگ جهانی دوم. این حرکات نمایشی نیز به اعتقاد من برای کاستن از فشارها برای به رسمیت شناختن نسل کشی ارمنه در آستانه صدمین سالگرد این حادثه هولناک بود.

در انتخابات ترکیه، اعم از انتخابات اخیر و انتخابات دور اول، سه نماینده ارمنی به پارلمان راه یافتند. نمایندگانی از احزاب حزب دموکراتیک خلق ها، حزب جمهوری خواه خلق و نیز حزب عدالت و توسعه. من این را نیز در راستای همین حرکات نمایشی ارزیابی می کنم. در عین حال پیروزی این نمایندگان برای ارمنه فرصت مغتنمی بود تا بیش از پیش وارد کارزارهای سیاسی درون جامعه ترکیه شوند.

در حال حاضر طبق آمار نزدیک به ۱۰۰ هزار ارمنی در آنکارا و استانبول زندگی می کنند و ۴ میلیون ارمنی پنهان در ترکیه ساکنند. این ارمنی های پنهان شامل کسانی که مادر یا پدر غیر ارمنی دارند و یا کسانی که تحت فشار مجبور به ترک دینت مسیحی شدند می شود. فعالیت های مدنی و سیاسی این جامعه ارمنی در ترکیه در غالب روزنامه های ارمنی زبان، کلیساها و انجمن ها و یا احزاب ترکیه سازماندهی شده اما این نکته را باید اشاره کنم که بر خلاف ایران این فعالیت ها در ترکیه با محدودیت های بسیار روبروست و نباید با وضعیت ارمنی ها در ایران مقایسه شود. در ترکیه حتی کلیساها برای انجام مناسک مذهبی تحت انواع فشارهای مستقیم و غیر مستقیم قرار دارند. مثلا در ترکیه هیچ ارمنی اجازه داشتن نام خانوادگی ارمنی ندارد. بارها از سوی گروه های تندرو مانند گرگ های خاکستری مورد حمله قرار می گیرند و از سوی دولت ترکیه در مقابل این حملات حمایت نمی شوند.

هوشمند: من هم مایلیم در اینجا به نکته ای اشاره کنم. در مورد سیاست ها و رفتار ترکیه باید به دو نکته توجه داشت: یکی تحولات بین المللی که خارج از اراده کشورهای منطقه مانند ایران، ترکیه، عربستان سعودی و غیره رخ می دهد. مانند جهانی شدن، گسترش ارتباطات و فرصت هایی که تکنولوژی در اختیار جوامع قرار می دهد. در مورد ترکیه هم این روند گروه هایی که سالها سرکوب می شدند یا در بهترین حالت نادیده گرفته می شدند توانستند از این تحولات نهایت استفاده را ببرند. نکته دوم این که حزب عدالت و توسعه وقتی روی کار آمد برخی تابو ها را در جامعه ترکیه شکست. مثلا گفت وگوهای دستگاه امنیتی ترکیه با اوجالان در زندان و یا بازی فوتبال دوستانه با تیم ملی ارمنستان و مسائلی از این دست که تا پیش از روی کار آمدن آک پارتی تصور آن هم غیر ممکن بود. اما معادلات مربوط به ترکیه در سالهای اخیر تحت تأثیر متغیر دیگری نیز قرار گرفت: تحولات خاورمیانه؛ یعنی همان بهار عربی. ترکیه ابتدا خود را از این تحولات کنار کشید اما در اواسط بحران لیبی وقتی ترکیه میزبان گروه های مخالف شد و سوسه ای به جان سیاستمداران این کشور افتاد که دیگر ترکیه را تبدیل به پای ثابت بازی های خاورمیانه کرد و این روند تا جایی پیش رفت که ترکیه در سوریه خود تبدیل به یک طرف درگیری شد.

زینعلی: این نکاتی که اشاره کردید پرسشی نیز به دنبال دارد. می دانیم که حزب عدالت و توسعه بر پایه اندیشه اخوانی شکل گرفته و بهار عربی در واقع فرصتی را در اختیار کل جریان اخوان المسلمین گذاشت تا در تحولات کشورهایی که در آن حضور دارد نقش بازی کند. ترکیه هم تنها کشوری بود که اخوان المسلمین به نوعی در آن دولت را در دست داشت و این طبیعی بود که این کشور تمام قد به این بازی کشیده شود.

اما پرسش اینجاست که رابطه اندیشه پان ترکیسم و اخوانی گری که حزب عدالت و توسعه واسطه آن شده چیست؟ به نظر می رسد تحلیل دقیق فرایندهای منطقه و نقش ترکیه در آن در گروی تبیین این موضوع است.

هوشمند: حزب عدالت و توسعه در واقع روایت ترکیه ای اخوانی گری را به نمایش گذاشته است. در واقع نقش آفرینی این کشور در تحولات منطقه در راستای سروری ترکیه و هژمونی آن در منطقه است. همان چیزی که در رسانه ها به نوعی گری شهرت پیدا کرده. اخوانی گری ترکیه در راستای ایده اصلی این جریان، یعنی وحدت امت اسلامی نیست.

همانطور که گفتید به صورت طبیعی دولت ترکیه ابتدای کار در مصر، سوریه و لیبی به دنبال حمایت از جریان های اخوانی بود. اما اخوان المسلمین سوریه بر خلاف کشورهای دیگر میل شدیدی به استفاده از ابزارهای خشونت آمیز داشت. اینجا بود که مرز بین اسلام گرایی تکفیری و اخوانی در سوریه از بین رفت و نتیجه آن شد که دیگر ترکیه از حامی اخوان المسلمین تبدیل به حامی همه گروه های مخالف

دولت سوریه اعم از داعش و جبهه انصره و اخوان المسلمین و حتی گروه های سکولار مخالف دولت شد.

این در هم آمیختگی پانترکیسم و اخوانی گری در دولت ترکیه حتی برخی از تحلیل گران را در داخل ایران به اشتباه انداخت که سیاست های ترکیه در منطقه در راستای منافع جمهوری اسلامی ایران است. اما خیلی زود با برافتادن پرده ها این تصور از بین رفت و بدنه تصمیم گیر در جمهوری اسلامی ایران متوجه خطری که از جانب ترکیه ایران را تهدید می کند شد.

یونانسیان: من باز به سال ۲۰۰۱ گریز می زنم. عدالت و توسعه حزبی اسلام گرا و معتقد به تجارت آزاد بود که در سایر کشورهای منطقه نیز به عنوان مدلی موفق برای دموکراسی منطبق بر دین معرفی می شد. اما همان زمان هم نسبت به یک مسئله بی توجهی شد. آقای داوود اغلو که از نظریه پردازان آک پارتی است کتابی منتشر کرد به نام عمق استراتژیک. او در این کتاب با صراحت در بخش پایانی کتاب اشاره می کند که اگر ترکیه می خواهد عضو قابل احترامی در جامعه جهانی باشیم باید به امپراتوری عثمانی برگردیم. لذا بهار عربی فرصت مغتنمی برای پی گیری این سیاست در کشورهایی که روزگاری بخشی از امپراتوری عثمانی بودند فراهم کرد.

در مورد اقوام غیر ترک ساکن در ترکیه نیز در همان ابتدای کار حزب عدالت و توسعه مانیفستی تنظیم کرد که در آن به صراحت تأکید شد سیاست ما درباره کردها و رامنه تغییری نسبت به قبل نخواهد داشت و جالب اینکه در جلسه ای که برای تنظیم این مانیفست تشکیل شد، انجمنی برای مبارزه با نسل کشی های دروغین تشکیل دادند. منظور کتمان نسل کشی کردها، ارمنی ها، آشوری ها، علوی ها و یونانی تبارها بود. بعد از انتخابات اخیر هم آقای داوود اغلو بر مانیفست سال ۲۰۰۱ تأکید کرد. این انجمن برنامه هایی مانند تغییر کتابهای درسی تاریخی در ترکیه و تحریفات گسترده در کتابهای تاریخی را به اجرا در می آورد. اینجاست که من تأکید می کنم سیاست های دولت ترکیه در قبال مسأله نسل کشی ها و اقوام ترکیه تاکتیکی و ابزاری است.

هوشمند: بله هیچ تغییر راهبردی در این سیاست ها مشاهده نمی شود.

زینعلی: این که نو عثمانی گری و سیاست دولت ترکیه درباره اقوام غیر ترک چه در داخل و چه در منطقه با پانترکیسم همراه شده تردید نیست. اما در کنار این شاهدیم حزب عدالت و توسعه به دلیل ریشه های مذهبی که برای خود متصور هست با ناسیونالیسم ترک و حرکت ترک های جوان و آنچه میراث آتاتورک است در تضاد باشد. برای شناخت ماهیت دولت آقای اردوغان باید تفکیکی بین ناسیونالیسم ترک و نوعثمانی گری قائل شویم. در واقع آتاتورک و ناسیونالیسم لائیک ترکیه تنها هدف بنیانگذاری یک کشور ترک بر اساس اصول ناسیونالیسم اروپایی را دنبال می کرد و نظری نسبت به مناطق دیگر امپراتوری عثمانی نداشت و در واقع هدف اصلی رها کردن ترک ها از بار سنگین کشورهای تحت سیطره امپراتوری بود. حتی با ایران هم روابط خوبی برقرار کردند و بر خلاف آنچه جمهوری آذربایجان و ترکیه فعلی در راستای تبلیغات سو پانترکیستی در ایران انجام دادند عمل شد. در واقع نوعثمانی گری عدالت و توسعه با بنیان های ترکیه نوین هم در تضاد است.

یونانسیان: نکته همین جا است. نخستین کسی که مسأله نسل کشی ارمنه را مطرح کرد در میان ترک ها خود آتاتورک بود. آتاتورک در جمله ای تاریخی در ۱۹۲۳ در لس آنجلس گفت بازماندگان ترک های جوان باید پاسخگوی نسل کشی مسیحیان باشند. حتی دادگاه هایی برگزار می شود که در آن رهبران ترک های جوان، طلعت پاشا، انور پاشا و جمال پاشا به اعدام محکوم می شوند که البته از ترکیه فرار می کنند و بسیاری دیگر از اعضا به زندان های بلند مدت محکوم می شوند. اما بعد از شکل گیری ترکیه محکومان این دادگاه ها مورد عفو قرار می گیرند و حتی تا عضویت در دولت نیز پیش می روند.

تفاوت اردوغان و آتاتورک را من در این می‌بینم که آتاتورک ترکیه یکپارچه را بنیان گذاشت اما پانترکیسم اردوغان این یکپارچگی را از بین می‌برد و پیش بینی من این است در ماه‌های آینده ترکیه به شدت در خطر تجزیه قرار خواهد گرفت.

زینعلی: این بحث هم مطرح است که نگاه تمدنی در سیاست خارجی امر مثبتی است و نقطه آغازی برای همگرایی منطقه‌ای. ایران آرام آرام این نگاه را به سیاست خارجی خود وارد کرده. ترکیه هم به دنبال استفاده از این ابزار در سیاست خارجی خود است. چه تفاوتی مثلاً در این نوع نگاه در ایران و ترکیه است که ایران کمابیش موفق و ترکیه ناموفق در این خصوص ظاهر شده است؟ اینکه بر خلاف ایران، وهم تاریخی بنیان نگاه ترکیه به حوزه کشورهای امپراتوری سابق عثمانی در سیاست‌گذاری‌های جدید است نکته‌ای نیست که بتوان نادیده گرفت. اما به نظر می‌رسد مسئله فراتر از اینهاست.

هوشمند: در کنار این مسئله تعریف همگرایی منطقه‌ای است که ترکیه نادیده می‌گیرد. همگرایی منطقه‌ای در یک حوزه تمدنی یعنی بازتعریف منافع کشورهای همگرا بر اساس منافع کلیت آن حوزه تمدنی. اما ترکیه به دنبال دخالت در امور داخلی دیگر کشورها بر اساس منافع خود است. من معتقدم اگر بهار عربی اتفاق نمی‌افتاد تحولات ترکیه به سمت دیگری می‌رفت. خلا قدرت در کشورهای متحول شده ترکیه را وسوسه کرد برای دخالت و سهم‌خواهی. وگرنه در سال ۲۰۰۱ در ترکیه تصور اینکه در منطقه به این صورت عمل شود هم وجود نداشت.

یونانسیان: منزوی شدن ایران هم این وسوسه را تشدید کرد که ترکیه خود را به عنوان قدرت برتر در منطقه مطرح کند.

هوشمند: بله این هم نکته بسیار مهمی است. ما از ظرفیت‌های خود نتوانستیم در چند سال اخیر استفاده کنیم و این تنش فرسایشی ما با غرب هم فرصت‌های زیادی را برای ما از بین برد و برای رقیبان به وجود آورد.

ضمن اینکه دو ستون اصلی سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه، یعنی آن قرائت خاص از اسلام و نوع‌ثمانی‌گری بر پایه وهم و یا واقعیات تاریخی باشد چیزی را تغییر نمی‌دهد. چرا که لزوماً موفقیت آن نسبتی با واقعی و تاریخی بودن آن ندارد. بلکه عوامل دیگری هم در این موفقیت یا عدم موفقیت تأثیر دارد. همین ترکیه ۱۰۰ سال است بر اساس کتمان تاریخ منافع خود را پیش برده است.

نکته دیگر اینکه در دنیای عرب از یک سو ناسیونالیسم عرب و از سوی دیگر ناسیونالیسم خاص کشورهای عربی مانند ناسیونالیسم سوریه، مصری، فلسطینی و... رشد کرده است و اینها هم در وقت مقتضی در مقابل سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه قرار می‌گیرند. افزون بر این مسأله اصلی در درون ترکیه است. دولت ترکیه با ابزار گروگانگیری مقوله امنیت توانسته دوباره با اقبال عمومی مواجه شود. اما بعد از فروکش کردن هیجانات مسائل و مشکلات بنیادین دوباره خود را نشان می‌دهند. این نیز سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه را به چالش خواهد کشید.

پس از حوادث تروریستی پاریس و کشتار اخیر در فرانسه و فشار افکار عمومی به دولت‌های غربی برای مبارزه با داعش فشارهای بیشتری به دولت ترکیه وارد می‌کند و اکنون نیز نشانه‌های آن را می‌بینیم. این هم مانع جدی بر سر راه اجرای سیاست‌های نوع‌ثمانی گرایانه دولت فعلی ترکیه است. اجرایی شدن برجام و توافق ایران و کشورهای ۵+۱ نیز ایران را از وضعیت فعلی خارج می‌کند و بر نقش و قدرت بازی منطقه‌ای ما می‌افزاید. ایران پس‌برجام را شاید بتوان جدی‌ترین مانع در راه دستیابی ترکیه به سیاست‌های توسعه طلبانه‌اش

آنچه ما به عنوان امپراتوری عثمانی می شناسیم بر خلاف ایران، مصر، یونان و تمدن اسلامی، به عنوان یک دوره تمدنی شناخته نمی شود. چنین پنداری هیچ مبنای تاریخی و آکادمیک ندارد.

یونانیان: ترکیه مثل دریاچه یخ زده ای است که هر لحظه ممکن است ترک بخورد. حل مسئله سوریه، قدرت گرفتن بیش از پیش ایران، حضور پر رنگ تر روسیه در منطقه و از همه مهمتر حرکت داعش از سوریه به سمت ترکیه و نیز مسأله کردها، دولت ترکیه را زمینگیر خواهد کرد.

هوشمند: اگر حزب عدالت و توسعه در سیاست های خود تجدید نظر نکند علاوه بر مسأله کردها این کشور باید خود را برای روبرو شدن با رشد گروه های تکفیری در داخل مرزهای خود آماده کند. در آینده ترکیه بی ثبات تر از پیش خواهد شد.

زینعلی: و ناگفته هم نماند که بی ثباتی ترکیه هم برای ایران و هم برای سایر کشورهای منطقه و امنیت بین المللی خطری جدی است.